

# ریشه‌گر سنگی در جهان کنونی

عدم وجود يك نظام صحيح اجتماعي ، انعطاف ناپذیری  
 و استثمار پیشگی گروه‌های ثروتمند ، و بیخبری و جهل گروه  
 محروم و بینوا ، و دور و تسلسل سرسام‌آوری که در خود گرسنگی  
 نهفته است ، عوامل اصلی گرسنگی دردنیاست !

باغ پر محصول مجاورند ، دلیلش حجاب ای است  
 که از حلقوم او دریغ شده است !  
 در هر جا کاخی می‌بینید یا انبار نم‌ها و  
 آسایش‌ها سرفلک کشیده ، چشم‌ها را خیره میکنند و در  
 کنار آن یا کمی دورتر کوخی بلکه کوخستانی  
 چون لانه شمالان با عده‌ای موجود مفنوك شك توی برنگ  
 و رو زرد چشمانی بگود رفته ، گونه‌های برآمده  
 و استخوان‌های برجسته چون اسکلتی که در تهارنگ  
 حیات ندیده ، وجود دارد علتش در این گناز  
 همین تناقص جستجو کننده .

در سطح جهانی مسی بینیم اقلیتی هستند  
 در حدود يك سوم بلکه کمتر ، از بهترین مزایای

گرسنگی ریشه در زمین خشك «فقر» دارد ، و  
 خشکی زمین فقرا را اژدهای «عدم تساوی اقتصادی»  
 یا «تبعیض» باعث است ، و این اژدهای خون‌آشام  
 در اختیار اقلیتی شکم باره و زران دوز قرار دارد .  
 چه خوب بیان میدارد علی علیه السلام : «هیچ  
 ثروت کلانی را ندیدم مگر اینکه در کنار  
 آن حق یا حقوقی تضییع شده است» !  
 که علل گرسنگی در سطح جهانی و منطقه ای را  
 از این کلام مولی بخوبی می‌توان فهمید .

در هر جا درختان بارور و پرثمری دیدید که شاخه  
 های آنها از کثرت بار بجلو آمده است و در کنار آن  
 زمینی خشك با گیاهانی پژمرده تماشا گرسر زندگی

بعلت همین نابرابری اقتصادیست؛ که در نواحی و کشورهای توسعه نیافته؛ حد متوسط عمر ۳۰ سالست (در هندوستان ۲۷ سال است). در صورتیکه در کشورهای توسعه نیافته اروپا و آمریکای شمالی، ۶۵ سال است (بیش از دو برابر!) و همین عامل اقتصادیست که در احتمال زنده ماندن نوزادان در کشورهای ثروتمند و فقیر تأثیر می کند.

**در کشورهای ثروتمند مریک و میر کودگان ۳۰ درهزار است در صورتیکه در میان ملتهای فقیر تقریباً بیش از هفت برابر آن یعنی ۲۲۰ درهزار است (۱)**

### فلسفه بافیهای غلط.

حال، عجیب اینست که این عدم تساویها و تبعیضات را با فلسفه بافیهای پراز نیرنگ موجه جلوه گرمی سازند از این قبیل: کثرت زاد و ولد، افزایش روزافزون جمعیت یکی از عوامل مهم فقر است. بخل طبیعت باعث کاهش مواد غذاییست. و امکانات موجود نمی تواند نیاز همه را بر آورد. از اینرو لازمست با افزایش جمعیت، مبارزه کرد، سقط جنین را آزاد گذاشت و جنگ نیز خود نعمتی است برای تعادل جمعیت!

می بینید چگونه و با چه شعارهای ظاهر فریب، میخواهند انسان کشی و جنگ را توجیه کنند؟ در صورتیکه بقول «کلن کلارک»: colin clark هیچ عالم اقتصادی هر قدر هم دانشمند باشد حق

زندگی برخوردارند؛ تراکم ثروت و فراوانی نعمت، آنها را به خوش رقصیهای ماه نشینی؛ فضاپیمائی، خرجهای کلان فضائی، سر گرم کرده، ولی در همسایگی آنها و در کنار همین بدمستیها عده ای از هم نوعانشان بخاطر رنگ پوست یا سایر تبعیضات از گرسنگی مینالند.

درهند گرسنگی بیداد میکند، و آفریقا دست به استمداد جهانی بر میدارد؛ ولی منابع هنگفتی صرف تسلیحات جنگی میشود اما جواب این فریادها و استغاثه ها را با توپ و تانک بدهند!

و اگر آمار و اطلاعاتی را که سازمان ملل متحد در باره در آمد ملی ملتهای مختلف جمع آوری کرده است، مطالعه کنیم به فاصله هراس انگیزی که از لحاظ اقتصادی کشورهای جهان را به دو گروه مخالف تقسیم کرده است، پی میبریم.

بر طبق این آمار ۱۹ کشور که از ثروتمندترین کشورهای جهان هستند و ۱۶ درصد جمعیت جهان را دارند، بیش از هفتاد درصد عایدات جهان را بخود اختصاص داده اند.

بر عکس ۱۵ کشوریکه پنجاه درصد جمعیت جهان در آنها؛ زندگی میکنند و فقیرترین کشورهای دنیا هستند، کمتر از ۵ درصد عایدات جهان را بدست می آورند. این ارقام، بخوبی نشان میدهد که چگونه ثروت دنیا غیر عادلانه تقسیم شده است؟. در حالیکه توده های عظیمی از انسانها در نهایت فقر زندگی میکنند، ثروت جهان در دست اقلیتی از مردم آنست.

(۱) از کتاب سیاه گرسنگی صفحه ۱۴

در سطح منطقه ای نیز علل گرسنگی، خواست خداوندی، جبر طبیعت یا تقدیر و سر نوشت نیست بلکه دلایل دیگری دارد که بایست با آنها توجه کرد و علل و عوامل را از بین برد و آنها عبارتند از:

۱- **عدم يك نظام صحيح اجتماعي و** حکومت عادلانه که بتواند جوابگوی نیاز مردم باشد، تمیضها را از بین ببرد؛ استثمار و بهره کشی را بکوبد و روابط پیچیده اجتماعی را بر اساس يك منطق صحیح و انسان پسندانه که با طبع زمان و محیط و انسانها سازگار باشد استوار سازد و عدالت اجتماعی را در توزیع عادلانه ثروت رعایت کند.

\* \* \*

۲- **انعطاف ناپذیری و استتداهار پیشگی** گروههای ثروتمند و مؤسسات تجاری پرسود است که در حصار کاخهای مجلل و ثروت بی حساب خود فرق شده اند و به ندای وجدان و فریاد بینوایان و ستمدیدگان گوش فرا نمیدهند.

حقوق و وظایفی که این دارائی و ثروت بردوش آنها گذارده رعایت نمیکند. به ویژه ثروتمندان مسلمان که موظفند از دارائی خود علاوه بر حقوق و دیونی که باید به حکومت اسلامی بپردازند سهمی از آن را نیز به مستمندان و ضعفا اختصاص دهند و گرنه تاروژی که حتی يك گرسنه، يك تهیدست در

ندارد در تولد نوزادان دخالت کند. نه! باید قضا یا درجهتی کاملاً مخالف جریان یابد. پدران کودکان، حق دارند از نخست وزیران و از دانشمندان اقتصاد بخواهند که جهان را بطوری سازمان دهند که کودکان بتوانند غذای کافی برای خوردن داشته باشند» (۱) و باز به قول «خوزوئه دوکاسترو» رئیس سابق سازمان بین المللی خواربار و تغذیه: در قرن پیشرفته ای علمی و فنی، این عقیده (قهر طبیعت - سقط جنین) بیشتر بکارهای جادوگران دوران وحشیگری شباهت دارد تا يك چاره جوئی علمی.

عقیده غیر علمی کسانی که گرسنگی را به لثامت طبیعت نسبت میدهند و برای تسکین آن لازم میدانند جان افراد بشری بصورت کشتن جنین یا سقط آن و مانند آنها از میان برود بکاری که بومیهای جزایر «پولنیزی» برای جلوگیری از آتش فشانی کوههای آتش فشان، میکنند بی شباهت نیست.

این قبایل ابتدائی، عقیده دارند که آتش فشانی کوهها، نتیجه خشم خدایانست و بایستی برای تسکین قهر آنها، حیواناتی را قربانی کنیم و باین جهت حیوانات را در دهانه آتش فشان مشتعل میاندازند.

شکی نیست که عقیده دسته اول وحشیانه تر و خطرناکتر است» (۲) که آن کشتن انسانست و این قربانی کردن حیوان.

(۱) لبه تیز گفته «کلن کلارک» متوجه مالتوس دانشمند اقتصادی و طرفداران اوست که عقیده دارند: افزایش جمعیت جهان را با قحطی و وحشتناکی مواجه می سازد... و مردم را به محدود ساختن امر تناسل دعوت کرد و برای این دعوت اسلوب خاص سیاسی و اقتصادی و اخلاقی خویش را مقرر داشت ( از ترجمه کتاب اقتصادنا صفحه ۱۰). ۲ از کتاب سیاه گرسنگی صفحه ۴۲.

است که بامتداول ساختن شمارها و جعل احادیث و روایات از بزرگان، فقرا را ره آوردی نیکو، بشمار آرند، گروه مستمندان را در قمر و بدبختی شان راضی و بی خبر نگهدارند تا تمام ثروتها، نیکوئیها، خوشیها و عیش و نوشها را بخود اختصاص دهند چه، نزدیکترین راهها برای بهره برداری منافقان آنست که ادعا کنند پیامبران، آدمی را به بی رغبتی در زندگی مادی و سخنگیری در معیشت، و تحمل فقر و تنگدستی، و بدوری از هر گونه اقدام مثبت دعوت کرده اند، تا توده ها را بر آن خواننده گنجها و ثروت های زمین را برای خود انباشته کنند و آنها را از مردم دور کنند و خود با آسودگی کامل از آن بهره مند گردند.

«گرسنه» در بندها منافقان (استثمارگران) نباید از حق پایمال شده خود سخن گوید و آن را طلب نماید و بر ضد زندگی اشرافی و خوشگذرانیهایی که مواد آن از حلقوم بینوایان کنده شده و در سفره سیران قرار گرفته است اقدام کنند.

اگر «گرسنه» حق پایمال شده خود را طلب کند و به خاطر نانی که از حلقوم فرزندانش در آورده شده بپاخیزد، کافر و منحرف معرفی شده امنیت و آسایش آسودگان را مورد تهدید و خطر قرار داده که در سایه کوشش و لباس ابریشم سفید پوشیده و با ستراحت پرداخته اند (۲)

\*\*\*

۴- چهارمین دلیل گرسنگی در خود-

اجتماعی پیدا شود، بار مسئولیت همچنان بردوش ثروتمندان و آنانی که زردرکپسه، و زور بازو دارند قرارداد.

باین آیه قرآن که خطاب به مؤمنان می باشد توجه کنید:

«ای کسانی که ایمان دارید بسیاری از رهبانان، اموال مردم را بناحق میخورند و آنان را از راه خدا باز میدارند و نیز کسانی که طلا و نقره (منظور ثروت سرشار) را گنج میکنند و آن را در راه خدا خرج نمی کنند به عذایی الیم و دردناک نویدشان بده» (۱)

\*\*\*

۳- بیخبری و جهل گروه محروم و

بینواست که گرسنگی و تنگدستی خود را تقدیر الهی و سر نوشت محتوم می پندارند. به حقوق خود آشنا نیستند و تسلیم چنین وضع فلاکت باری میشوند. آگاهی ندارند که باید حقوق تضییع شده خود را در کنار کاخها و ثروت های بیحد و حصریغماگران بیابند و با هماهنگی و تشکل و منطق رسا، فریاد خدا پسندانه خود را بگوش آنان برسانند و ثمره درد ورنج و حاصل تلاشها و بیخوابیها را ازار بابان خود بخواهند.

ابوذر شاگرد و صحابی وفادار علی (ع) میگوید: «در شگفتم از گروهی که با فقر دست و پنجه نرم میکنند ولی حق خود را از استثمارگران نمی خواهند؛ همیشه شیوه منافقان و استثمارگران این بوده

(۱) سوره توبه آیه ۳۴.

(۲) ترجمه کتاب: «الامام علی «ع» صوت العدالة الانسانیة».